

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰

پژوهشنامه علوم دفاعی، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۱۵

ص ص ۱۰۷ تا ۱۳۲

## کارآمدی نظریه استراتژیک در بحران‌های نظامی پس از جنگ سرد (مطالعه موردی: بحران سوریه)

ایرج اسماعیلی فرزین (مشهدی اسماعیل)<sup>۱\*</sup>، حسین مهدیان<sup>۲</sup>

### چکیده

نظریه استراتژیک نظامی ماهیتاً چارچوبی نظام‌مند برای توصیف، تبیین علل و روش پیروزی در جنگ و پیش‌بینی آینده آن است. ولی به نظر می‌رسد این نظریه در خصوص جنگ‌های پس از دوران فروپاشی نظام دوقطبی کارآمدی نظری و عملی خود را از دست داده است. سؤال اصلی تحقیق این است که علت ناکارآمدی این نظریه چیست؟ فرضیه محقق این است که نظریه استراتژی نظامی معاصر از نظر سطح تحلیل به تدریج نزول کرده و تک‌متغیری شده است؛ در حالی که در جنگ‌های کنونی متغیرهای متکثر و متنوع وجود دارند که برای پاسخ به آنها باید سطح تحلیل نظریه بالا برود؛ لذا این نظریه اساساً از نظر سطح تحلیل دچار تناقض است. روش شناسی: برای بررسی موضوع در ابتدا مهمترین نظریه‌های استراتژیک و سپس روند تکامل و رویکردهای گوناگون نظریه‌های استراتژی نظامی مورد بررسی قرار گرفته است. سپس داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و یافته حاصل با فرضیه محقق و مورد سوریه مقایسه گردیده است. نتیجه حاصل، فرضیه محقق را تایید کرده و یافته‌های جدیدی را نیز مبنی بر تناقض، نقصان تجربی، قوم‌مداری در نظریه معاصر ارائه می‌نماید. روش تحقیق این مقاله توصیفی، روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و روش تجزیه و تحلیل، تحلیل محتوا می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** قدرت، جنگ، استراتژی، نظریه استراتژیک، مطالعات استراتژیک

۱. (\*نویسنده مسئول): دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. گروه تربیت بدنی و بهداشت، دانشگاه امام علی(ع)، تهران، ایران

## مقدمه

با نگاهی اجمالی به تاریخ تمدن بشری در می‌یابیم که انسان‌ها در طول زندگی فردی و اجتماعی خود برای کسب منافع همواره با دیگران در رقابت بوده‌اند. کامیابی در این رقابت به مجموعه‌ای از عوامل عینی و ذهنی بستگی دارد که در مجموع قدرت نامیده می‌شود. این عوامل که در اشکال گوناگونی مانند قدرت نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... متجسم می‌شوند، به صورت بالقوه یا بالفعل ابزار رسیدن به اهداف هستند. ولی چگونگی دستیابی و بکارگیری این عوامل به طور کلی استراتژی و بسته به نوع قدرتی که مدنظر است، استراتژی نظامی، سیاسی و ... نامیده می‌شوند. همزمان با ظهور پدیده جنگ در اجتماعات بشری، مسئله پیروزی در جنگ نقشی اساسی در حیات این اجتماعات بازی کرده است؛ از این رو فرماندهان همواره سعی داشته‌اند با ارتباط برقرار کردن بین علم در دسترس، و کنش مناسب در برابر دشمن، روش‌های جنگیدن را در چارچوبی نظام‌مند به گونه‌ای تدوین نمایند که متضمن پیروزی در همه شرایط باشد. این تلاش‌ها در رهگذر تاریخ از دشت فراخ و بیابان‌های ذهنیت فلسفی گذشته و مسیر باریک عینیت تجربی را پیمود تا به شاهراه‌های ارتباطاتی-هویتی امروز برسد. در این رهگذر نظریه استراتژی پس از فراز و نشیب‌های فراوان به تدریج تدوین شده است. ولی این نظریه استراتژیک به رغم گذشته درخشان، در دوران پس از جنگ سرد و به خصوص در بحران سوریه نتوانسته به هیچ‌کدام از طرف‌های درگیر راه حل مناسبی برای نیل به پیروزی یا حل بحران ارائه کند. سؤال اصلی تحقیق این است که در حالی که موضوع اصلی نظریه استراتژیک جنگ است و در زمانی که تهدیدات نظامی-امنیتی به صورت چشمگیری افزایش یافته است، چه عواملی باعث شده است که این استراتژی توان تبیین خود را از دست داده است؟ برای پاسخ به این سؤال در ابتدا مفاهیم مرتبط، روند تکامل نظریه استراتژی از بدو تکوین تاکنون و مهمترین نظریه‌های استراتژیک به اجمال بررسی می‌شود. سپس یافته‌های تحقیق با مطالعه موردی بحران سوریه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در انتها نتیجه‌گیری انجام می‌گردد.

نظریه استراتژیک چیست؟ نظریه استراتژیک مفهومی ترکیبی است که برای فهم منطق، کاربرد و عملکرد آن نیاز به مطالعه اجزا آن شامل مفاهیم قدرت، استراتژی، نظریه و مطالعات استراتژیک است و چگونگی تکوین آنها می‌باشد. لذا در این بخش ابتدا به شرح مفاهیم یاد شده و سپس به تاریخ تکوین آن پرداخته می‌شود: الف- مفاهیم مرتبط با نظریه استراتژیک. قدرت: هر آن چیزی است که در وادار کردن دیگران به رفتار مطابق میل ما، یا بازداشتن آنان از رفتار مغایر منافع ما کاربرد داشته باشد، قدرت نامیده می‌شود (Sills ۱۹۶۴). جنگ: اعمال قدرت برای مجبور کردن دشمن به انجام خواسته ما، جنگ نامیده می‌شود. (Clausewitz ۱۹۸۹)، استراتژی: استراتژی از نظر لغوی به معنای فرماندهی نظامی است که در مفهوم مضیق (عملیاتی) به معنای هنر فرماندهی ارتش در جنگ و در مفهوم موسع آن به معنای کاربرد نیروی نظامی است، برای نیل به اهداف سیاسی یا به صورت دقیق‌تر، نظریه، یا عمل استفاده، یا تهدید به استفاده از نیروی سازمان یافته برای اهداف سیاسی است (Gray ۱۹۹۹). در حوزه علم سیاست، استراتژی به نقشه یا برنامه سیاست خارجی یا به کنش تصمیم‌سازی و واکنش به تصمیمات سایر دولت‌ها یا نهادهای بین‌المللی می‌پردازد که برای نیل به اهداف سیاست خارجی و در رابطه با منافع ملی طرح می‌شود. (Plano ۱۹۶۹)

نظریه استراتژیک: نظریه استراتژیک عمومی مانند هر نظریه دیگر به دنبال گسترش فهم ما از واقعیت و ارتقای توانایی ما در کنش موثر است. با این چارچوب نظریه استراتژیک عملیاتی (نظامی) تعامل بین تفکر و عمل در شرایط پرفشار جنگی است و چگونگی عمل در چنان محیطی را برای کسانی که مسئولیت غیرقابل بخشش آن را به عهده دارند، روشن می‌کند (Moran). مطالعات استراتژیک: مطالعات استراتژیک حوزه‌های بین رشته‌ای است که از موضوع راهبری جنگ به عنوان متغیری مستقل یا وابسته شکل گرفته است. این حوزه بر ارتباط بین سیاست، منابع طبیعی و جغرافیایی، اقتصاد و قدرت نظامی (و نقش دستگاه‌های اطلاعاتی، دیپلماسی و تهدیدات امنیتی) توجه ویژه دارد. بنیان‌های نظری این حوزه سابقه تاریخی طولی دارد که عمده‌تاً ریشه در نظریه‌های

کلاسیک شرقی، مانند نظریات سان تزو در هنر جنگ یا کاتالیا در آرتاهاشاسترای<sup>۱</sup> و اندیشه‌های استراتژیست‌هایی غربی نظیر: کلازویتز در هنر جنگ<sup>۲</sup> و ماکیاولی در شاهزاده<sup>۳</sup> دارند.<sup>۴</sup>

ب- تاریخچه تکوین نظریه استراتژیک: تکوین مفهوم استراتژی: استراتژی و قواعد آن در قرن پنجم قبل از میلاد برای اولین بار به صورت مکتوب توسط سان تزو<sup>۵</sup> و چاناکایا<sup>۶</sup> تدوین شد. طرح‌ریزی و حرکت استراتژیک در جنگ‌های اسکندر کبیر، هانیبال، چین شی هانگ<sup>۷</sup>، ژولیوس سزار، خالد ابن ولید و به ویژه در جنگ‌های داریوش کبیر دیده شده است. به‌رغم ریشه لاتین، هیچ مدرک مستدلی بر بکارگیری واژه استراتژی در یونان و روم باستان وجود ندارد ولی در آثار لئوی ششم امپراتور بیزانس در قرن شانزدهم از کلمه استراتژی به شکل لاتین استفاده شد، در قرن شانزدهم نیکولو ماکیاولی با ارتباط بین امور شخصی و نظامی در مسیر شکل‌گیری نظریه عمومی استراتژی گام برداشت. در قرن هفدهم و طی جنگ‌های سی ساله (۱۶۴۸-۱۶۱۸) گوستاو آدولف سوئدی استراتژی عملیاتی موفق را به نمایش گذاشت که به فتح سرزمین‌های امپراطوری مقدس روم منتهی شد. در جنگ‌های هفت ساله (۱۷۶۳-۱۷۵۶) فردریک کبیر از استراتژی فرسایشی برای مقابله با دشمنانش استفاده کرد ولی واژه استراتژی به صورت امروزی برای اولین بار در ترجمه آثار لئوی ششم به آلمانی<sup>۸</sup> در سال ۱۷۷۷ و سپس به همان صورت به فرانسوی و بعد به انگلیسی<sup>۹</sup> امروزی در سال ۱۸۱۵ ترجمه و تا زمان حال به همان شکل بکار رفته است. تحول نظریه استراتژیک نظامی: نظریه استراتژیک همواره فهم بشر از جنگ را متحول کرده است ولی خود این نظریه تحت تاثیر تحول در شرایط محیطی - سیستمی (نظام بین‌الملل)،

۱. Kautalia's Arthashastra

۲. Clausewitz's Art of War

۳. Machiavelli's Prince

۴. <http://en.wikipedia.org/w/index.php?oldid=552641111>

۵. Sun Tzu's Art of War

۶. Chanakaya

۷. Qin Shi Hang

۸. Strategia

۹. Strategy

عوامل سیاسی، فرهنگی و علمی و حتی اقتصادی قرار داشته و در این روند اهداف، رویکردها و حوزه شمول آن دچار دگرگونی شده است. برای بررسی این روند مهمترین نظریه‌های استراتژیکی در این حوزه مطالعاتی به اختصار تشریح می‌شوند.

هنر جنگ - سان تزو (به چینی سان‌زی) ژنرال، تئوریسین و فیلسوف دوران ژو در ۴۹۶-۵۴۴ قبل از میلاد بود که اولین اثر مکتوب درباره استراتژی رساله او نام هنر جنگ<sup>۱</sup> است که شامل ۱۳ اصل کلی که راهنمایی عملی برای فرماندهان در هدایت جنگ به ترتیب زیر می‌باشد: طرح‌ریزی شامل پنج اصل فرعی حقوق اخلاقی (با توجه به فرهنگ چینی، چیزی است که تبعیت کامل مردم از حاکمان خود را به دنبال دارد)، سپهر (شرایط جوی)، زمین (شرایط جغرافیایی)، فرماندهی (شرایط روانی و اخلاقی فرمانده)، آموزش و انضباط. وارد شدن به جنگ شامل توصیه‌های برای جلوگیری از طولانی شدن جنگ، صرفه جویی مالی، تداوم لجستیک و ... در شرایط جنگی است. - بکاربردن حيله جنگی جهت تصرف منابع و نیروی دشمن - موضع‌گیری تاکتیکی برای استقرار نیروها در موقعیتی برتر نسبت به دشمن - انرژی مبین نکاتی است، درباره چگونگی بکارگیری نیروی نظامی در بهترین موقعیت و فرصت برای کسب موفقیت - نقاط ضعف و قوت متضمن توصیه‌هایی برای شناخت نقاط ضعف قدرت و ضعف نیروهای خودی و دشمن در جهت کسب برتری - مانور شامل هماهنگی همه نیروها جهت ارتقای توان رزمی، چگونگی بکارگیری این نیروها، عمل در هنگام حمله، محاصره و ... - تنوع تاکتیک مبتنی بر لزوم داشتن انواع تاکتیک‌های مورد نیاز در شرایط مختلف و بکارگیری ترکیبی از آنها به صورتی هنرمندانه - حرکات ارتش مشتمل بر راهکارهای اردو کشی، استقرار ضد استقرار، سنگربندی و سایر جوانب مرتبط با حرکت متناسب با شرایط جوی، جغرافیایی و استلزامات رزمی، روانی و لجستیکی - اوضاع سواقالجیشی یا عوارض زمین معرف تاکتیک‌های مختلف عملیاتی در زمین‌های با عوارض مختلف است - وضعیت‌های نه‌گانه مبین ماهیت وضعیت‌های نه‌گانه زمین عملیات و چگونگی عملیات در آن است - حمله با آتش چگونگی اجرای عملیات

---

۱. The Art of War

همراه با استفاده از آتش است - استفاده از جاسوس‌ها که در آن فواید استفاده از جاسوس، انواع آن، تکنیک‌های جاسوسی و راههای ضد جاسوسی و ... توضیح داده شده است. از نظر سان تزو والاترین هنر در جنگ، نیل به پیروزی بدون خونریزی است (Tzu ۱۹۶۳:۷۷)، لذا مهمترین مشخصه این اثر تاکید بر مولفه‌های روانی و اطلاعاتی در جنگ، اهمیت فراوان آگاهی از توانایی‌های مادی و روانی حریف هم‌اندازه با شناخت از توانایی‌های مادی و روانی خود، استفاده از تکنیک‌های فریب، جنگ فرسایشی و جاسوسی است. این نظریه تاثیر بسیار زیادی در تکوین سایر نظریه‌های استراتژیک در حوزه نبرد نامنظم مانند نظریه مائو و اسلام‌گراهای افراطی گذاشته است و افزون بر جنگ مدرن در موضوعات گوناگونی دیگری مانند سیاست (Wilson ۲۰۱۳)، تجارت (Damen ۲۰۱۳)، ورزش (Garner ۲۰۱۳) نیز الگو قرار گرفته است. - هنر جنگ - نیکلودیدیرناردودیماکیاولی، مورخ، فیلسوف، سیاستمدار و دیپلمات ایتالیایی است که آثار زیادی در توصیه نامه‌نویسی دارد، دومین اثر مهم در زمینه استراتژی با فاصله‌ای قریب به دو هزار سال با اثر سان تزو کتاب هنر جنگ وی است که در سال ۱۵۲۰ به عنوان تنها کتاب چاپ شده وی در زمان عمرش، فلسفه جنگ محدود را طرح نمود که بر مبنای آن جنگ در صورت شکست دیپلماسی، دنباله سیاست است؛ او بر اهمیت نیروی شبه نظامی تاکید داشته و مفهوم شهروند مسلح را ترویج داد، از نظر ماکیاولی تمامیت جامعه، علم، دین و هنر در سایه امنیتی حفظ می‌شود که به واسطه نیروی نظامی تامین می‌شود (Machiavelli ۱۵۲۰)

درباره جنگ - کارل فیلیپ گاتفرید فون کلازویتز ژنرال ارتش پروس - آلمان در سال‌های ۱۷۹۲ تا ۱۹۸۳ نظریه‌پردازی نظامی بود که تحت تاثیر جنگ‌های ناپلئون به اهمیت وجوه روحی و سیاسی در نظریه استراتژیک اعتقاد داشت. اثر مهم او در مقوله استراتژی کتاب ناتمام در باره جنگ<sup>۱</sup> است که در آن رابطه سیاست و نیروی نظامی به روشنی بیان شده است و سنگ بنای فهم نظریه استراتژیک است (Baylis ۲۰۱۰:۷۲). اصول نظریات وی در این کتاب عبارتند از: - جنگ نباید خود به هدف تبدیل شود، بلکه

باید ابزار سیاست باشد، جنگ صرفاً یک کنش سیاسی نیست، بلکه همچنین یک ابزار سیاسی، ادامه تجارت سیاسی، عملی است که با سایر روش‌ها نیز انجام می‌شود. - اهداف نظامی در جنگ که از اهداف سیاسی حمایت می‌کند در دو مسیر وسیع‌تر و متفاوت می‌افتد: جنگ برای دستیابی به اهداف محدود (تاکتیکی) و جنگ برای خلع سلاح دشمن تا او را از نظر سیاسی درمانده و از نظر نظامی ناتوان کرد. - بقیه موارد ارزشی مساوی خواهند داشت، مسیر جنگ به سوی کسی متمایل است که دارای روحیه‌ای قوی‌تر و انگیزه‌های سیاسی باشند؛ در این راستا مدافعین مزیتی قابل توجه دارند (این برخلاف نظر نظریه است که روحیه تهاجمی را توصیه می‌کنند). مباحث مهم در نظریه استراتژیک کلازویتز عبارتند از: - در حالی که جنگ اساساً به قلمرو اجتماعی تعلق دارد نه به هنر یا علم. استراتژی اصولاً به حوزه هنر و تاکتیک به حوزه علم تعلق دارد. - اهمیت نیروهای روانی برخلاف عناصر کمی فیزیکی - تاثیر معکوس برتری عددی و تعداد نفرات ارتش‌ها - ماهیت غیرقابل پیش‌بینی و تعیین ناپذیری جنگ.

عدم قطعیت اطلاعات در جنگ - تنش که نشان‌دهنده عدم توازن بین توانایی نظری و عملکرد واقعی در میدان رزم است. - مرکز ثقل استراتژیک و عملیاتی که تامین‌کننده استحکام روحی و روانی فیزیکی و تامین‌کننده آزادی عمل و یا میل به کنش است. - اهمیت تثلیث نیروهای روانی (مردم به سوی هوس، نظامیان به سوی احتمال و شانس و دولت به سوی محاسبات منطقی و اهداف سیاسی) (ماهیت دیالکتیک نظریه کلازویتز تاثیر زیادی در نظریات کارل مارکس، فردریش انگلس، ولادیمیر لنین و مائو تسونگ داشته است (Kipp 1985 pp.184-191). - رساله‌ای درباره عملیات بزرگ نظامی - آنتوان هنری جومینی<sup>۱</sup> ژنرال ارتش فرانسه و سپس روسیه بود که بیشترین نوشته‌ها را در خصوص جنگ‌های ناپلئون به جامعه آکادمیک ارائه کرده است. او در سال ۱۸۶۵ رساله درباره عملیات بزرگ نظامی را نوشت که تاثیر زیادی در نظریه استراتژی و به خصوص شیوه جنگیدن در جنگ‌های داخلی آمریکا داشت. برخی او را با کمی تردید بنیان‌گذار استراتژی

۱. Treatise on Grand Military Operations: - Antoine Henri Jomini.

مردن نامیده‌اند. (Shy 1986:144) نظریه جومینی بر مهندسی رزمی تاکید دارد. او از واژگان مهندسی در نظریه استراتژیک خود استفاده نمود. برای نمونه او کلمات پایگاه، خطوط استراتژیک و نقاط کلیدی را ابداع کرد. توصیه عملیاتی جومینی خیلی ساده بود: قدرت برتر رزمی خود را بر نقاط سرنوشت ساز میدان نبرد متمرکز کنید. وی بر برتری منحصر به فرد خطوط داخلی تاکید داشت. جومینی نکاتی مانند قدرت دریایی و لجستیک را که در نظریه کلازویتز مورد غفلت قرار گرفته بود به نظریه خود وارد کرد (Bassford). از دید جومینی جنگ در مجموع علم نیست، بلکه هنر است (برخلاف نظر کلازویتز) و استراتژی از آنجایی که باید با قوانین ثابتی تنظیم شود، به علم اثباتی بیشتر شبیه است. جنگ در راستای مقولات دیگر ممکن است مستقل از ترکیبی علمی در نظر گرفته شود و ممکن است الزاماً کیفیتی شخصی، تهییجی، الهام بخش، و هزاران مولفه دیگر داشته باشد که مکرراً در کنترل آن دخیل باشند. در یک جمله، هر چیز که در حوزه شعر حماسی و متافیزیک جنگ باشد در نتیجه آن موثر است (Mertsalov page 13) جومینی با این دید سعی کرد استراتژی مورد نظر خود را از نظر علمی غنی کند و این کار را در زمانی که در خدمت ارتش روسیه بود در دانشکده فرماندهی و ستاد این کشور انجام داد. کارهای جومینی به خصوص رساله او درباره عملیات بزرگ تنها اثری بود که در دانشگاه افسری آمریکا (وست پوینت) در حوزه استراتژی تدریس می‌شد و تاثیر زیادی در جنگ داخلی آمریکا داشت. ولی منحصر به فرد بودن خصوصیات زمین عملیات در جنگ داخلی آمریکا استراتژیست‌هایی آن زمان آمریکا را به مرزهای فراتر از اندیشه‌های جومینی برای حل مشکلات پیشرو برد (Keegan pp ۹۶-۹۷).

تاثیر قدرت دریایی بر تاریخ<sup>۱</sup> -آلفرد تایر ماهان دریادار، مورخ و استراتژیست نیروی دریایی ایالات متحده که در سال ۱۸۹۰ کتاب تاثیر قدرت دریایی بر تاریخ را نوشت. وی به تحلیل جنگ‌های دریایی به خصوص جنگ‌های قرن هفدهم میلادی میان هلند، اسپانیا، فرانسه و انگلیس و جنگ‌های قرن نوزدهم بین فرانسه و انگلیس به این نتیجه رسید که

۱. The Influence of Sea Power upon History- Alfred Thayer Mahan.



نیروی دریایی نه تنها باعث گسترش تجارت شده است، بلکه با استفاده از منابع به ویژه در مستعمرات به ظهور امپراتوری‌ها یا شکست رقبای آنها منتهی شده است (Paret ۱۹۵۳-۵۵ pp). لذا او را احیا کننده امپریالیسم فرادریایی و تبدیل آمریکا به بزرگ‌ترین قدرت دریایی از زمان جنگ اول جهانی تاکنون می‌دانند (Brinkley ۱۹۹۹).

چارچوب نظریه او برگرفته از نظریه جومینی<sup>۱</sup> است که بر کنترل مناطق استراتژیک (مانند: گذرگاه‌ها، کانال‌ها و نقاط بارگیری) و به همان اندازه بر قدرت آتش ناوگان دریایی تاکید داشت. اصول نظریه او عبارتند از: ماموریت نیروی دریایی تامین امنیت و سیادت بر دریاها است که نه تنها موجب حفظ خطوط مواصلاتی و ارتباطات دریایی می‌شود، بلکه از دسترسی حریف به آن ممانعت به عمل می‌آورد.

سیادت دریایی به معنای از بین بردن تجارت برای دیگران نیست، بلکه به معنای توانایی از بین بردن یا خنثی کردن ناوگان دشمن است. این امر نیاز به تمرکز قدرت نیروی دریایی متشکل از ناوهای سنگین و سریع (نه ناوهای کهنه و کند) دارد که توسط نیروی انسانی ماهر، با در نظر گرفتن این اصل که بهترین دفاع حمله است، بکارگرفته شوند (Crowl ۱۹۸۶:ch ۱).

محور جغرافیایی تاریخ- مکیندر<sup>۲</sup> سر هارلفورد جان مکیندر جغرافیدان انگلیسی که لقب پدر ژئوپولیتیک و ژئواستراتژی را به خود اختصاص داده است، در مقاله‌ای با عنوان محور جغرافیایی تاریخ در سال ۱۹۰۴ نظریه خود به نام قلب زمین<sup>۳</sup> را معرفی نمود. او در این نظریه سطح زمین دارای سه بخش به نام‌های جزیره جهانی، جزایر نزدیک ساحل و جزایر دور دست است. اصول نظریه او عبارتند از:

- هر کس بر اروپای شرقی حکومت کند بر قلب زمین حکم می‌راند

- هر کس بر قلب زمین حکومت کند بر جزیره جهانی حکم می‌راند

---

۱. Antoine Henri Jomini

۲. The Geographical Pivot of History-Sir Halford John Mackinder.

۳. Heartland Theory

- هر کس بر جزیره جهانی حکومت کند دنیا را کنترل می‌کند. (Mackinder ۱۰۶: ۲۰۱۳)

تأثیر اندیشه‌های مکیندر در سلطه‌جویی‌های حزب نازی در آلمان به خصوص افرادی مانند هاوسهوفر مشهود بود. البته به رغم شکست آلمان، پیروزی ژاپن بر نیروی دریایی و زمینی شوروی و اشغال بخشی از شوروی و کره و چین و بیشتر مناطق آسیای جنوب شرقی توسط این کشور در جنگ جهانی دوم، خلاف این نظریه را ثابت می‌کند، زیرا شوروی که بر قلب دنیا حکومت می‌کرد در این رویارویی و در برابر نیروی دریایی که به نظر مکیندر دارای اهمیت ثانوی نسبت به نیروی زمینی است متحمل شکست شد.

بمباران استراتژیک در نبرد هوایی - جولینو دوهت<sup>۱</sup> ژنرال جولینو دوهت افسر نیروی هوایی ایتالیا و یکی از مدافعین نظریه بمباران استراتژیک در نبرد هوایی بود. او در رساله حکمرانی از هوا<sup>۲</sup> را در سال ۱۹۲۲ (و بعد از آزادی از زندان به علت انتقاد از فرماندهان به جهت عدم بکارگیری توصیه‌های او در بکارگیری نیروی هوایی در جنگ بود) نوشت. اصول نظریه او عبارتند از: - پرواز هواپیما بر فراز نیروی سطحی (زمینی یا دریایی) آنها را به درجه دوم اهمیت سوق می‌دهد؛ - وسعت آسمان عمل دفاع را غیر ممکن می‌کند؛ - بهترین دفاع حمله است؛ - نیروی هوایی که بتواند حمکرانی بر هوا را با بمباران نیروی هوایی دشمن تا نابودی کامل آن به دست آورد، دشمن را محکوم به بمباران همیشگی کرده است؛ - حمکرانی بر آسمان به معنی پیروزی است؛ دوهت بر عنصر تأثیر روانی بمباران تأکید داشت. زیرا بمباران می‌تواند با نابودی مراکز حیاتی اراده مردم را از بین ببرد. با پرواز بر فراز نیروهای سطحی دشمن و حمله به مراکز آنان، استفاده از نیروی زمینی غیر ضروری می‌شود یا به اصطلاح: بمب افکن‌ها همیشه کار را تمام می‌کند.<sup>۳</sup> اهداف در محور استراتژی بمباران هوایی قرار دارند به نظر وی اهداف پنج دسته هستند: صنایع، زیرساخت‌های حمل و نقل، ارتباطات، مراکز حکومتی و اراده مردم. اهداف دسته آخر برای دوهت اهمیت ویژه‌ای دارند؛ زیرا به اعتقاد وی قاعده جنگ تمام عیار از بین بردن

---

۱. Strategic Bombing in Aerial Warfare- Giulio Douhet

۲. The Command of the Air

۳. The bombers will always get through

اراده مردم برای ادامه جنگ است. جنگ به قدری اهمیت دارد که نمی‌توان آن را به دست ژنرال‌ها سپرد- کلمنسو<sup>۱</sup>: جورج کلمنسو سیاستمدار و نخست وزیر فرانسه در جنگ اول جهانی معروف به پدر پیروزی و ببر، مدافع سرسخت استفاده از جنگ به خصوص جنگ تمام عیار برای نیل به پیروزی به عنوان هدفی سیاسی بود؛ مهمترین ویژگی دیدگاه او همان‌طور که در نقل قول معروف او دیده می‌شود، خارج کردن اداره جنگ از دست نظامیان در سطح استراتژیک و قرار دادن آن در دستان سیاستمداران است. نظریه نگرش غیرمستقیم-باسیل هانری لیدلهارت<sup>۲</sup>: کاپیتان لیدل هارت تئوریسین پیشرو نظامی و مورخی است که در طراحی عملیات زرهی تاثیر زیادی گذاشته است. نظریه معروف وی که رویکرد غیر مستقیم نام دارد، چرخشی بزرگ در رویکردهای سنتی به شیوه جنگیدن به حساب می‌آید. او با بررسی تلفات بسیار زیاد جنگ جهانی اول، قواعدی را بر پایه اصول بنیادین استراتژی بنا نهاد که به نظر وی فقدان آنها موجب وارد آمدن خسارات انسانی وحشتناک این جنگ بوده است که به صورت خلاصه نگرش غیرمستقیم نام گرفت. این نظریه دو اصل دارد: - حمله مستقیم به دشمنی که موضع مستحکمی گرفته است، اغلب موثر نیست و نباید انجام شود. - برای شکست دشمن اول باید تعادل او را به هم زد، که این کار نباید همراه با حمله مستقیم انجام شود، بلکه باید قبل از حمله اصلی انجام گردد. از نظر وی این عمل اطمینان از زمان و محل قطعی حمله را بین برده و باعث وارد آمدن ضربه روانی به مدافعین می‌شود؛ زیرا دشمن در زمان و محلی که احتمالش را نمی‌دهد مورد حمله قرار می‌گیرد. لیدلهارت استراتژی متصلب و مواضع دفاعی ثابت را رد می‌کند و در عوض دفاع منعطف<sup>۳</sup> سیالتر به همراه نیروی احتیاط متحرک را پیشنهاد می‌کند. او تئوری خود را منتج از نظریات استراتژیست‌های بزرگ تاریخ می‌داند و بعد از جنگ جهانی دوم ادعا می‌کرد که نظریات او و فولر در تاکتیک نبرد برق‌آسای<sup>۴</sup> آلمانی‌های و به خصوص مارشال رومل

۱. As quoted in Clemenceau and the Third Republic (1946) by John Hampden Jackson, p. 228; this has also become commonly paraphrased as: War is too important to be left to the generals.

۲. Theory of Indirect Approach-Sir Basil Henry Liddell Hart.

۳. Elastic Defense

۴. Blitzkrieg

مورد استفاده قرار گرفته است، ولی انگلیس نظریات او را مورد غفلت قرار داده است (Young). استراتژی هسته‌ای - برنارد برودی<sup>۱</sup>: استراتژیست نظامی آمریکایی و بنیانگذار استراتژی هسته‌ای است که عده‌ای او را کلازویتز آمریکا می‌خوانند. او معمار استراتژی بازدارندگی هسته‌های است که کار او در نتیجه تلاش برای فهم نقش و ارزش سلاح هسته‌ای بعد از تولید و بکارگیری آن بود. مهمترین اثر مکتوب وی کتاب سلاح مطلق: قدرت اتمی و نظم جهانی<sup>۲</sup> است که در سال ۱۹۴۶ نگارش شد و اصول بنیانی استراتژی هسته‌ای در آن تشریح شده است. در این کتاب او فایده سلاح هسته‌ای را نه در استفاده از آن بلکه در تهدید بکارگیری آن معرفی می‌کند. این امر بر اثر آگاهی دو طرف از تاثیر بکارگیری سلاح‌های اتمی است که به نابودی هر دو طرف، صرف نظر از اینکه کدام یک از آنها آغازگر جنگ هسته‌ای بوده‌اند که به اصطلاح، انهدام قطعی مشترک (مد)<sup>۳</sup> نامیده می‌شود. جمله معروف او در این باره این است: اگر چه تا حالا هدف بنیان عملیات نظامی ما پیروزی در جنگ‌ها بوده است، از حالا به بعد هدف اصلی ما باید پرهیز از آنها باشد. برودی سپس به موسسه رند<sup>۴</sup> پیوست که توسط استراتژیست‌های مشهوری مانند هرمان کان<sup>۵</sup> تاسیس شده بود. او در سال ۱۹۵۹ کتاب استراتژی هسته‌ای در عصر موشکی<sup>۶</sup> را نوشت و توضیح داد که گریز از جنگ هسته‌ای موجب افزایش خطر تبدیل جنگ‌های محدود به جنگ تمام عیار می‌شود ولی بازدارندگی از طریق توانایی در وارد آوردن ضربه دوم تضمین امنیتی بهتری برای هر دو طرف ایجاد می‌کند. او به دلیل قطعی نبودن پرهیز از حمله اول اتمی به عنوان یک استراتژی، پیشنهاد می‌کند که در دفاع غیرنظامی سرمایه‌گذاری شود، مواضع ثابت موشکی زمین پایه مستحکم شوند تا از این طریق توانایی وارد آوردن ضربه دوم تضمین شود. ساخت سیلوهای موشکی محافظت شده در سراسر ایالات متحده برای اثبات توانایی وارد آوردن ضربه دوم بر همین اساس بود ( Brodei

۱. Nuclear Strategy-Bernard Brodie

۲. The Absolute Weapon: Atomic Power and Word Order.

۳. MAD: Mutual Assured Destruction

۴. RAND Corporation

۵. Herman Kahn

۶. Nuclear Strategy in Missile Age

۲۷۷-۲۷۸). او عقیده داشت که در ضربه دوم نباید شهرها مورد هدف قرار گیرند، بلکه اهداف باید تاسیسات و محل‌های استقرار نظامی باشند تا با این روش شوروی‌ها نتوانند دامنه جنگ را گسترش داده و آمریکا پیروز جنگ شود. برودی به سرمایه‌گذاری در نیروی نظامی متعارف نیز تاکید داشت تا به وسیله جنگ محدود یا جنگ تمام عیار مهار شوروی کمونیست در صورت شکست بازدارندگی محقق شود (Brodei pp ۳۹۳-۴۰۵). درباره جنگ هسته‌ای حرارتی-هرمان کان<sup>۱</sup> یکی از معروف‌ترین آینده‌نگاران ثلث آخر قرن بیستم، بنیانگذار موسسه مشاوره فکری هادسن، یکی از برجسته‌ترین استراتژیست‌های نظامی و نظریه پردازان سیستمی در موسسه رند بود. عنوان کتاب معروف وی به نام درباره جنگ هسته‌ای حرارتی با اشاره به عنوان کتاب درباره جنگ کلازویتز انتخاب گردید. نظریه او در این کتاب به سادگی حاوی دو مفروضه است: اول اینکه، امکان وقوع جنگ هسته‌ای به وضوح وجود دارد؛ زیرا ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی دارای زرادخانه‌های اتمی سهمگینی هستند که به سوی یکدیگر نشانه رفته‌اند؛ دوم اینکه پیروزی در این جنگ نیز مانند هر جنگ دیگری ممکن می‌باشد. (برخلاف نظریه برودی) به نظر وی در صورت حمله اتمی به رغم کشته شدن تعداد بسیار زیادی از انسان‌ها، زندگی ادامه خواهد داشت؛ همان‌طور که در ناکازاکی و هیروشیما ادامه یافت ولی زندگی به طرز وحشتناکی تحت تاثیر اثرات مخرب این سلاح‌ها از جمله ریزش ذرات هسته-ای<sup>۲</sup> قرار می‌گیرد که زندگی را به کابوسی دهشتناک مبدل می‌کند، اما نجات یافتگان به مرگ لبخند نخواهد زد. این حقیقتی است که اگر آمریکایی‌ها آن را نپذیرند عدم تمایل خود را به شروع حمله به دشمن اعلام می‌کنند و این امر تهدید به حمله را به بلوفی تبدیل می‌کند که برای دشمن لو رفته است و اصولاً منطق بازدارندگی را از حیز انتفاع خارج کرده و راه حمله را برای حریف باز می‌کند. در عوض او با استفاده از نظریه بازی‌ها، نظریه سیستم‌ها و استراتژی نظامی و علم اقتصاد، پیشنهاد می‌کند که باید دشمن از قطعی بودن حمله انتقام‌جویانه سنگینی<sup>۳</sup> که

---

۱. On Thermonuclear War-Herman Kahn

۲. Fallout

۳. Massive Retaliation

طی حمله دوم اتمی به او انجام می‌شود اطمینان حاصل کند، تا بازدارندگی سودمندی خود را حفظ کند. سایر استراتژی‌های مهم دوران جنگ سرد: -نگاه جدید-آیزنهاور: استراتژی پرزیدنت دوايت آیزنهاور به منظور کاهش مخارج سنگین مالی اجرای استراتژی انتقام سنگین بود که منطق آن استفاده از فرماندهی نیروی هوایی استراتژیک (ساک)<sup>۲</sup> برای حمل سلاح اتمی به اقصی نقاط دنیا بود تا از این طریق هم بازدارندگی تاثیر خود را حفظ کند و هم هزینه‌های مالی آن کم شود (Huntington pp ۷۹-۸۰). استراتژی نگاه جدید به اعتقاد منتقدانی مانند گدیس<sup>۳</sup> با افزایش قدرت استراتژیک و متعارف شوروی قابلیت خود را از دست داده و این انگیزه را به آنها می‌دهد که برای از بین بردن تهدید مترتب از این استراتژی اقدام به اجرای حمله اول نمایند (Gaddis). -پاسخ انعطاف‌پذیر-کندی<sup>۴</sup>: شکست نیروهای فرانسوی در ویتنام از ویتکنگ‌های مورد حمایت شوروی، پرزیدنت کندی را نسبت به کارآمدی استراتژی‌های دیدگاه جدید آیزنهاور و انتقام سنگین دچار شک نمود، زیرا اطمینان شوروی از درگیر نشدن مستقیم آمریکا در نبرد اتمی یا متعارف موجب گسترش توسعه‌طلبی این کشور از یکسو و تضعیف روحیه متحدان آمریکا شده است. لذا در ابتدا استراتژی جدید نگاه جدید<sup>۵</sup> مبنی بر استفاده از سلاح اتمی تاکتیکی در جنگ‌هایی که متحدان آمریکا درگیر می‌شوند را در استراتژی امنیتی آمریکا وارد نمود که ضمن حفظ منطق کاهش هزینه‌های مالی استراتژی قبلی، مانع توسعه‌طلبی بلوک شرق نیز می‌شود. ولی این استراتژی ممکن بود با افزایش مخاصمات استراتژی بازدارندگی را از بین ببرد. لذا کندی تصمیم به اتخاذ استراتژیی گرفت که طیفی از اقدامات متعارف و اتمی را برای پرهیز از انتخاب انتقام سنگین یا هیچ<sup>۶</sup>، در اختیار وی قرار می‌داد. این استراتژی

---

۱. New Look

۲. Strategic Air Command

۳. John Lewis Gaddis

۴. Flexible Response

۵. New New Look

۶- Massive Retaliation's All-Or-Nothing Option

سه سطح را شامل می‌شد: -دفاع مستقیم: <sup>۱</sup> در صورت حمله متعارف شوروی، بالا بردن تعمدی سطح مخاصمات: <sup>۲</sup> در صورت تحت حمله قرار گرفتن نیروهای ناتو توسط شوروی، پاسخ اتمی عمومی: <sup>۳</sup> آخرین مرحله این استراتژی است که به هر حال مشابه انهدام قطعی مشترک و به معنای حمله اتمی همه جانبه به شوروی خواهد بود، البته اگر شوروی قبلاً این کار را نکرده باشد. موفقیت استراتژی پاسخ انعطاف‌پذیر را ترکیب سه نیروی استراتژیک مستقل از هم تحت عناوین موشک‌های قاره‌پیما (آی.سی.بی.ام) <sup>۴</sup> بمب افکن‌های استراتژیک <sup>۵</sup> و زیردریایی‌های حامل موشک‌های بالستیک (اس.ال.بی.ام) <sup>۶</sup> تشکیل می‌داد که به آن استراتژی سه گانه <sup>۷</sup> می‌گویند. ابتکار دفاع استراتژیک (جنگ ستارگان) - ریگان: <sup>۸</sup> این استراتژی توسط پرزیدنت رونالد ریگان با ترکیبی از سیستم‌های زمین پایه و فضاپایه برای محافظت در برابر موشک‌های بالستیک شوروی ابداع گردید که بعداً توسط رسانه‌ها به جنگ ستارگان مشهور شد. این استراتژی که بر دفاع استراتژیک متمرکز بود، جای استراتژی انهدام قطعی مشترک را می‌گرفت. ولی این استراتژی بلافاصله مورد انتقاد جامعه علمی قرار گرفت، زیرا از یکسو از نظر فنی اجرای آن را عملی نمی‌دانستند و از طرف دیگر آن را موجب روشن شدن مجدد آتش مسابقه تسلیحاتی بین دو بلوک تلقی می‌کردند (Cathal. p. ۱۶۰۰). به هر حال این استراتژی به رغم عدم اجرای آن به دلایل مختلف همچنان محور بحث‌های داغ محافل علمی و رسانه‌های جهان تا پایان جنگ سرد بود.

استراتژی‌های بعد از جنگ سرد: پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی به عنوان تنها رقیب قدرتمند، به ایالات متحده این فرصت را داد که موقعیت جدید خود در محیط نظام

---

۱. Direct Defense

۲. Deliberate Escalation

۳. General Nuclear Response

۴. Intercontinental Ballistic Missile (ICBM)

۵. Strategic Bombers

۶. Submarine- Launched Ballistic Missile (SLBM)

۷. Triad Strategy

۸. Strategic Defense Initiative (SID)

بین‌المللی را به عنوان فرا قدرت<sup>۱</sup> جهانی به علت دارا بودن تکنولوژی برتر منبعث از انقلاب دیجیتالی احراز نماید و بقیه قدرت‌های مهم را نیز در یک نظام شبه سلسله مراتبی چندقطبی قرار دهد. فاصله تکنولوژی نظامی آمریکا با دیگر کشورها به قدری زیاد بود که عملاً نیروی همترازی با آن در دنیا وجود نداشت، ولی رویارویی آمریکا با نیروهای چریکی دارای سلاح‌های متعارف ملی بزرگ‌ترین چالش این کشور از آن زمان تاکنون است. لذا مهمترین خصیصه نظامی این دوران را جنگ ناهمتراز<sup>۲</sup> نامیده‌اند. جنگ ناهمتراز: جنگ بین دو نیروی متخاصم را که از نظر قدرت نظامی نسبی یا استراتژی و تاکتیک تفاوت چشمگیری داشته باشند را جنگ ناهمتراز می‌گویند. در این روش نیروی ضعیف‌تر سعی می‌کند با بکارگیری تمامی امکانات مادی، روانی و حتی غیرمتعارف دشمن قوی را به جنگی فرسایشی و طولانی مدت بکشاند و نیروی مادی و روانی وی را مستهلک نماید. انواع جنگ‌های چریکی<sup>۳</sup>، شورش، تروریسم، ضد شورش و ضد تروریسم ارتباط نزدیکی با جنگ ناهمتراز دارند. جنگ شبکه‌ای<sup>۴</sup>: جنگ شبکه‌ای که برای اولین بار توسط جان آرکوئیل و دیوید رانفلت، محققان موسسه رند نامگذاری شد، نوع کم شدت منازعه، جنایت یا عمل خشونت‌آمیز است که کنشگران اجتماعات شبکه‌ای آن را بکار می‌برند. مثال نوعی این نوع از کنشگران تروریست‌های فراملیتی هستند. آرکوئیل و رانفلت معتقدند که چهار حوزه بر قدرت این کنشگران تاثیر می‌گذارد: -سازمان: شامل نوع شبکه و گستره تحت پوشش؛ دکتترین: شامل انگیزه‌های استفاده از شبکه که باعث انسجام و چگونگی کار بدون رهبری متمرکز است؛ تکنولوژی: چرایی و چیستی تکنولوژی ارتباطی مورد استفاده و روابط اجتماعی: نشان‌دهنده میزان اعتماد بین افراد استفاده کننده از شبکه است.

۱. Hyper Power. The term was coined by French politician Hubert Védine. See: International Herald Tribune, "To Paris, U.S. Looks Like a 'Hyperpower'," February 5, 1999

۲. Asymmetric Warfare

۳. Guerrilla Warfare

۴. Netwar



## روش‌شناسی

بررسی تاریخیچه و چگونگی تکوین نظریه استراتژیک نشان می‌دهد که تحول در این نظریه در چند بعد صورت گرفته است:

### الف- دامنه گسترش

نظریه استراتژی در بدو پیدایش به صورت نظریه‌ای عمومی درباره جنگ بود که استراتژیست تمامی شرایط مادی و روانی صحنه نبرد را با دیدی همه‌جانبه‌نگر در آن پیش‌بینی و تعبیه کرده بود ولی هر چقدر از نظر زمانی به زمان حاضر نزدیک می‌شویم نظریه‌ها تخصصی‌تر و در مواردی بسیار جزئی‌نگر و موردی می‌شوند گویا فقط برای یک کشور یا یک وضعیت خاص نگاشته شده‌اند؛ برای مثال رساله سانتزو به قدری جامع و کلینگر بود که حتی برای مائو و یا ناپلئون هم قابلیت استفاده داشت ولی استراتژی جنگ ستارگان ریگان به قدری از نظر شرایط تکنولوژیکی خاص می‌نمود که در صورت اجرایی شدن فقط با قدرت آمریکا تناسب داشت. در نمودار شماره یک دوازده نظریه از نظر دامنه گسترش (تعداد کشورهای که می‌توانند این نظریه را بکار گیرند) با هم مقایسه شده‌اند.

### ب- تخصص حرفه‌ای استراتژیست‌ها

بررسی حرفه تخصصی استراتژیست‌ها نشان‌دهنده تغییر چشمگیر در حوزه دانشی آنان است به گونه‌ای که از شروع تا اواخر قرن نوزدهم تقریباً تمامی آنها یا نظامی بوده‌اند یا سیاستمدار دارای تجربه نظامی‌گری که در هر دو صورت آنها مجریان استراتژی هم بوده‌اند ولی از اوایل قرن بیستم به بعد در ابتدا نظریه استراتژی به طور کلی از نظامیان تهی شده و در دستان سیاستمداران قرار می‌گیرد (رجوع شود به جمله معروف کلمنسو در بخش مربوطه) و سپس در دوره‌های دانشمندان حوزه‌های علوم تجربی به خصوص ریاضی و فیزیک، و در دوره‌های دیگر سیاستمداران، دانشگاهیان و محققان علوم اجتماعی.

## پ- نرخ جایگزینی نظریه با انواع جدید

واکاوی جامعه آماری تحقیق که شامل ۱۴ نظریه تا پایان جنگ سرد است نشان می‌دهد که نرخ جایگزینی نظریه‌ها سیری لگاریتمی یا هذلولی داشته است و هر چه به پایان جنگ سرد نزدیک‌تر می‌شویم، بر تعداد جایگزینی‌ها افزوده می‌شود. این روند در نمودار زیر نمایش داده شده است:

## ت- ملیت نظریه پردازان استراتژیک

بررسی ملیت نظریه پردازان استراتژیک جامعه آماری نشان می‌دهد که از ۱۴ نفر مورد مطالعه ۶ نفر آمریکایی، دو نفر انگلیسی، دو نفر فرانسوی، یک نفر ایتالیایی، یک نفر آلمانی-پروسی و یک نفر چینی بوده است.

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد:

۱- با توجه به تغییر در دامنه گسترش نظریه استراتژیک می‌توان گفت که این نظریه به صورت بالقوه دچار تناقض است به این صورت که اگر نظریه دامنه شمولش را گسترش دهد و به صورت یک نظریه عمومی مطرح شود. اولاً با فرض محاسبه عوامل تاثیرگذار صرفاً تکنولوژیکی باید تعداد بی‌شماری پیش‌بینی در خصوص وضعیت‌های فرضی را در خود جای دهد که با توجه به سرعت پیشرفت تکنولوژی و ایجاد وضعیت‌های متقاطع غیرقابل پیش‌بینی، قدرت پاسخگویی خود به چالش‌های استراتژیک نوظهور در صورت عدم محاسبه نتایج حاصل از وضعیت‌های گوناگون را نخواهد داشت و ثانیاً با وارد کردن عوامل روانی، هویتی، فرهنگی و سایر عوامل کیفی دخیل غیر قابل محاسبه در این وضعیت‌های عملاً تدوین نظریه عمومی از توان نظریه‌پرداز خارج می‌گردد.

۲- مقوله جنگ رابطه تنگاتنگی با تکنولوژی دارد، لذا با رشد تکنولوژی، جنگ ماهیتی تخصصی‌تر به خود می‌گیرد که به نظر می‌رسد علت خروج تدریجی نظامیان از قلمرو نظریه‌پردازی استراتژیک نیاز به تخصص بسیار بالا در حوزه‌های مختلف نظامی است که

زمانی جهت نظریه‌پردازی برای آنها باقی نمی‌گذارد. از سوی دیگر، ورود تکنولوژی‌های جدید مختلف به ارتش و ورود بازیگران جدید به حوزه جنگ، نظریه‌پردازی را نیازمند دانشی چندوجهی و چند رشته‌ای<sup>۱</sup> نموده است و مطالعات استراتژیک را به حوزه‌ای میان‌رشته‌ای تبدیل نموده است.

۳- اگر نظریه استراتژیک را پلی بین واقعیت و کنش متناسب با وضعیت پیشرو و با کمک از نظریه پارادایم‌های کوهن تسامحاً آن را یک پارادایم بنامیم، می‌توانیم نرخ جایگزین شدن آن با پارادایم جدید را نشان‌دهنده ناسازگاری با واقعیات زمانه خود فرض نماییم. با این فرض همان‌طور که در نمودار مربوطه مشخص است هر چه در تاریخ به جلو می‌رویم نرخ جایگزینی نظریه افزایش می‌یابد که به نظر می‌رسد این امر می‌تواند دو علت داشته باشد:

الف- ناتوانی در ایجاد ارتباط میان واقعیت و کنش متناسب با آن؛ به عبارت دیگر عدم پاسخگویی نظریه‌های قرن بیستم به مسائل استراتژیک معاصر؛

ب- تغییرات سریع تکنولوژیکی و ظهور محیط‌های استراتژیک جدید، متغیرها و چالش‌های جدیدی را تولید می‌کند و شتاب رشد تغییرات به گونه‌ای است که نظریه‌های قبلی به سرعت از حیز انتفاع خارج و نظریه‌های جدید جایگزین آن می‌شوند.

۴- ترکیب ملیت نظریه‌پردازان بیانگر تسلط نگرش غربی به خصوص نگرش قوم‌مدارانه<sup>۲</sup> آمریکایی بر حوزه نظریه‌پردازی استراتژیک است که این امر نه تنها سایر کشورها را از فواید این نظریه محروم کرده است بلکه به آمریکا نیز در حل مشکلات دوره بعد از جنگ سرد کمکی نکرده و به نوعی منسوخ گردیده است. علت اصلی این امر واژگونی اهمیت موضوعات سیاست اعلی و سیاست سفلی است. در دوره جنگ سرد موضوعات سیاست اعلی نظریه‌پردازی استراتژیک را به خود اختصاص داده بود ولی در دوره کنونی مسائل امنیتی را موضوعات سیاست سفلی مانند محیط زیست، قاچاق کالا و مواد مخدر،

---

۱. Multidisciplinary

۲. Ethnocentric

تروریسم، مهاجرت، نقض حقوق بشر و نسل‌کشی و نظایر آن تشکیل می‌دهد که دسترسی آسان کنشگران ضدنظام یا ضد نظم به وسایل ارتباطی، تکنولوژی روز و تسلیحات کشتار جمعی، سازماندهی، کنترل و آموزش را برای آنان تسهیل و به همان اندازه ریسک شکست را برایشان کم کرده است. از آنجایی که منازعات دوران کنونی عموماً تحت تاثیر روند پیشرفت تکنولوژی و رشد آگاهی‌های شناختی بوده، منشا هویتی دارند و ریشه آنها را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم می‌توان در نابرابری‌های حاصل از توسعه نامتوازن و فاصله بیش از حد بین جوامع شمال و جنوب دانست. نظریه استراتژیک نیز باید رویکردی هویتی داشته باشد و در خود عناصری از فرهنگ، اقتصاد و حتی الزامات دینی را در خود جای دهد. از طرفی با توجه به اینکه آمریکا در این روند نقش رهبری را به عهده داشته است، نه تنها خود مسئله نبود نظریه استراتژیک مناسب دست به گریبان است، بلکه خود نیز بخشی از این مشکل می‌باشد؛ لذا تغییر رویکرد این کشور از موضوعات سیاست اعلی به سیاست سفلی که همه کشورهای دنیا را به خود مبتلا کرده است می‌تواند کمک بزرگی به حل بحران‌های پیشرو در کوتاه مدت و تدوین نظریه استراتژیکی که موضوعاتی مانند تروریسم بین‌المللی و دسترسی آنها به سلاح‌های کشتار جمعی را که منافع همه کشورها را تهدید می‌کند کمک نماید.

در مجموع، به نظر می‌رسد که علت عدم دست دادن قدرت پاسخگویی نظریه استراتژیک به بحران‌های کنونی این است:

- ۱- با توجه به وجود متغیرهای متعدد دخیل در جنگ که دارای ماهیتی متکثر هستند، اصولاً در حال حاضر نظریه استراتژیکی متناسب با بحران‌های دوران کنونی وجود ندارد.
- ۲- استراتژیست‌های موجود به علت نداشتن درک صحیح از مسائل موجود که بخشی از آن به نداشتن دانش متناسب با نیازهای نظریه پردازی امروز بر می‌گردد، توان نظریه پردازی در این حوزه را ندارند.

۳- نظریه پردازان روابط بین الملل که دانش متناسب با نظریه پردازی استراتژیک را دارند از این حوزه دور بوده و تمایل چندانی برای این کار را نداشته یا کارهای آنان مورد استقبال تصمیم سازان قرار نمی گیرد.

## مطالعه موردی:

### الف-بحران سوریه

بحران در کشور سوریه تا زمان انجام این تحقیق نزدیک به ۲۸ ماه تداوم داشته است، این بحران که ماهیتی چند بعدی و پیچیده دارد، به رغم تلاش گسترده جامعه جهانی برای حل آن تاکنون به حیات خود ادامه داده و در مواردی به کشورهای همسایه نیز سرایت یافته و منطقه خاورمیانه را تحت الشعاع خود قرار داده است. تعارض و بعضاً همسویی منافع کشورهای مختلف منطقه ای و فرامنطقه ای تعدد و گوناگونی کنشگران و معارضان از حیث وابستگی های نهادی، قومی، ایدئولوژیک و سیاسی، ترس از برهم خوردن موازنه قدرت منطقه ای با توجه وجود انبارهای وسیع و متعدد سلاح شیمیایی دولت سوریه و ترس از دستیابی گروه های افراطی به این سلاح ها در صورت سقوط رژیم اسد (حتی مصالحه حکومت سوریه در از بین بردن این سلاح ها در برابر عدم حمله نظامی به آن کشور نیز در چارچوب وجود نیروهای ستیزه جوی افراطی مانند داعش قابل تبیین است)، بیم سرریز شدن بحران و جنگ به کشورهای همسایه و حتی منطقه، و عوامل متعدد دیگر، این بحران را در بن بست غیر قابل گشایش قرار داده است. عدم پیروزی قطعی یکی از طرفین نشان از ناکارآمدی استراتژی های مورد استفاده طرفین است، لذا این جنگ مثال بسیار خوبی از پیچیدگی های عوامل موثر در تدوین نظریه استراتژیک می باشد. مطابقت نظریه های استراتژی مورد بررسی در این تحقیق با بحران سوریه نشان دهنده نتایج زیر است:

الف- نظریه‌های استراتژی نظامی کلاسیک به صورت عمومی وضعیت جنگی بین دو کشور با هم یا جنگ بین یک کشور با چند کشور را در نظر می‌گیرد؛ در حالی که در بحران سوریه، تعدادی از کشورها به عنوان پشتیبان سوریه و تعدادی در صف پشتیبان مخالفان دولت سوریه جبهه‌بندی کرده‌اند؛ این وضعیت جنگ در سوریه را به جنگی نیابتی<sup>۱</sup> تبدیل کرده است که در برخی موارد تصمیم‌گیری‌های استراتژیک آن در خارج از کشور سوریه اتخاذ می‌شود. در این حالت هر دو گروه منافع خود را حیاتی می‌دانند؛ لذا منازعه در داخل این کشور ماهیتی بین‌المللی و امکان جهانی شدن دارد. بنابراین به نظر می‌رسد نظریه استراتژیک در مواردی که تعداد بازیگران در دو طرف منازعه متکثر باشند، قدرت پاسخگویی خود را از دست می‌دهد.

### ب- نظریه‌های استراتژیک ناهم‌تراز یا جنگ‌های نامنظم

(۱) مشکل مطروحه در بند بالا در مورد این نظریه‌ها نیز صدق می‌کند، زیرا آنها هم عموماً به جنگ میان یک نیروی نظامی کلاسیک با نیروی نامنظم می‌پردازند. در حالی که در جنگ سوریه، نیروهای مخالف سوریه نیروی نامنظم را شکل داده و پشتیبانی می‌کنند و نیروهای حامی دولت هم به تدریج آموزش دیده‌اند که از همان روش‌ها استفاده کرده و حتی در صورت لزوم نیروهای نامنظم خارجی مانند نیروهای حزب ا.. لبنان به صورت مستقیم در جنگ شرکت کرده‌اند.<sup>۲</sup> در این خصوص نیز نظریه‌های استراتژیک نظامی ناتوان بوده و راه حلی را ارائه نمی‌کنند.

(۲) نظریه‌های جنگ نامنظم به طور کلی به سه گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول به هستی‌شناسی یا شناخت‌شناسی مقوله منازعه از دیدگاه عوامل معنایی یا مادی می‌پردازند و راه حلی قابل اجرا برای رفع آن ارائه نمی‌کنند و ماهیتی توصیفی یا تبیینی دارند؛ مانند نظریه جنگ شبکه‌ای، گروه دوم را نظریه‌های تشکیل می‌دهند که به روش جنگیدن در

۱. دستیار وزیر امور خارجه ایران به گزارش ایسنا <http://www.ghanoononline.ir/News/Item/87284/24/>

۲. خروج پیرومندان حزب ا.. از لبنان <http://www.tabnak.ir/fa/news/349721/>

میادین رزم نامنظم توجه دارند و به بحث ریشه‌ای در مورد چیستی و چرایی آن وارد نمی‌شوند؛ مانند نظریه نبرد ناهمتراز مائو، گروه سوم را نظریه‌های تشکیل می‌دهند که تا حدودی هر سه جنبه هستی‌شناختی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی را مورد توجه قرار می‌دهند. این نظریه‌ها هم توصیف و تبیین می‌کنند و هم پیش‌بینی کرده و روش ارائه می‌کنند. این گروه فقط یک نظریه را در خود جای می‌دهد که نظریه استراتژیک سانتزو است. ولی این نظریه نیز به قدری کلی‌گرا است که می‌توان تعداد بی‌شماری تفسیر بر آن نوشت و تنها قابلیت کاربریست دوران جنگ‌های ابتدایی را در خود حفظ کرده است. لذا به نظر می‌رسد که با توجه به تعدد و تکثر متغیرهای دخیل در جنگ سوریه که نمادی از جنگ‌های امروزی و آتی خواهد بود این نظریه نیز توان پاسخگویی خود را از دست داده است.

#### **پ- نظریه بازدارندگی هسته‌ای-شیمیایی:**

نظریه بازدارندگی هسته‌ای برنارد برودی در مقیاسی کوچک‌تر و به شکلی متفاوت بین اسرائیل و سوریه در سالیان گذشته برقرار بوده است. یک سوی این بازدارندگی را سلاح‌های اتمی اسرائیل و سوی دیگر را سلاح‌های شیمیایی سوریه تشکیل می‌داد ولی توافق سوریه برای پیوستن به O.P.W.C و امحا این سلاح‌ها نشان داد که این بازدارندگی تا زمانی قدرت خود را حفظ می‌کند که نیروی برتری خارج از سیستم بازدارندگی قصد برهم زدن آن را نداشته باشد یا تهدیدی بزرگتر بقای یکی از طرفین را تهدید نکرده باشد. لذا این نظریه نیز قدرت پاسخگویی خود را در مورد بحران سوریه از دست می‌دهد.

ورود جهادیون به کارزار سوریه: جبهه سوریه برای افراطیونی که تحت تاثیر زنجیره بحران‌های موسوم به بهار عربی یا بیداری اسلامی در کشورهای شمال آفریقا، مترصد فرصتی برای نیل به اهداف خود بودند، فضایی مناسبی را ایجاد کرد تا از طریق مبارزه با حکومت سوریه خود را به عنوان بازیگرانی موثر در تحولات سیاسی - امنیتی منطقه‌ای معرفی نموده و سهم خود را از تقسیم قدرت ناشی از فروپاشی این حکومت طلب نمایند. اهداف این گروه در مبارزه با حکومت سوریه هم با مخالفین داخلی و هم با مخالفین

خارجی آن همسو بود. همسویی منافع اسرائیل با این گروه‌های جهادی در سرنگونی حکومت بشار اسد از ابتدا دارای پارادوکس بود؛ زیرا رفتار و عقاید غیرمعارف و خطرناک جهادیون، تهدیدی بسیار فراتر از حکومت سوریه را در همسایگی اسرائیل فراهم می‌کند. این تهدید در صورت دستیابی این گروه‌ها به سلاح‌های شیمیایی سوریه ممکن است برای اسرائیل فجایع غیر قابل توصیف را به دنبال داشته باشد؛ بنابراین اسرائیل تمایلی برای جایگزینی این گروه‌ها با حکومت مستقر در سوریه را ندارد. رفتار شنیع و غیراسلامی این گروه‌ها، موجب بدنامی مخالفین داخلی اسد در افکار عمومی داخلی و بین‌المللی نیز می‌گردد؛ لذا جبهه مخالفین به تدریج اتحاد خود را از دست داد و دچار تفرقه گردید. از این رو کشورهای غربی در معضلی گرفتار شدند که آنها را به سوی وضعیتی مانند افغانستان بعد از استقرار طالبان می‌کشاند.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات و مطالعه موردی بحران سوریه فرضیه تحقیق را مبنی بر این که نظریه استراتژیک امروزی دچار تناقض می‌باشد را تایید می‌نماید. موارد زیر جهت انجام تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود. رشته روابط بین‌الملل با هدف ممانعت از جنگ بنا شده است و چنانچه هدف نظریه استراتژیک در سطحی بین‌المللی پیروزی در جنگ با دشمنان صلح و ثبات بین‌المللی تعریف گردد، این حوزه مطالعات بین رشته‌ای توان تدوین نظریه‌ای متناسب با توان و جایگاه خود را خواهد داشت. لذا به نظر محقق با توجه به گستردگی حوزه مطالعاتی، رشته روابط بین‌الملل، مناسب‌ترین فضای موجود برای نیل به این منظور می‌باشد. برای نیل به این منظور محافل آکادمیک با تعریف پروژه‌های تحقیقاتی با ارتباط مستقیم با کانون‌های تصمیم‌سازی می‌توانند به این امر تحقق بخشند.

## فهرست منابع

Bassford, Christopher. "Jomini and Clausewitz: Their Interaction." Paper presented to the 24th Meeting of the Consortium on Revolutionary Europe at Georgia State University, 26 February 1993. Proceedings of the Consortium on Revolutionary Europe, XX (1992). Tallahassee, FL: Florida State University, 1994



- Baylis John, & James .J Wirtz, & Colin S. Gray, Edited, *Strategy in the Contemporary World: An Introduction to Strategic Studies*, Oxford, Oxford University, 2010.
- Brinkley, Alan, "From Crisis to Empire". *The Unfinished Nation*. Columbia University: McGrawHill, 2010.
- Brodie, Bernard. *Strategy in the Missile Age*. Princeton: Princeton University Press, 1959.
- Cathal J. Nola SDI, the *Greenwood Encyclopedia of International Relations*, Page 1600
- Clausewitz Carl P, *On War*, edited and translated by Michael Howard and Peter Paret (Princeton NJ, Princeton University Press, 1989).
- Crowl Philip A., "Alfred Thayer Mahan: The Naval Historian," in Paret, Peter, Gordon A. Craig, and Felix Gilbert, eds. *Makers of Modern Strategy from Machiavelli to the Nuclear Age* (1986).
- Gaddis John Lewis, *Strategies of Containment: A Critical Appraisal of Postwar American National Security* New York, Oxford University Press, 1982.
- Garner, Rochelle (16 October 2006), "Oracle's Ellison Uses 'Art of War' in Software Battle with SAP", Bloomberg, retrieved 18 May 2013.
- Gray S. Colin, *Modern Strategy*, Oxford, Oxford University Press, 1999.
- Hack, Damon (3 February 2005), "For Patriots' Coach, War Is Decided before Game", *The New York Times*, retrieved 18 May 2013
- Hampden John Jackson, *Clemenceau and the Third Republic*, (1946).
- Huntington Samuel P., *the Common Defense*, New York: Columbia University Press, 1961.
- Jomini Antoine. Henri, *Treatise on Grand Military Operations: or A Critical and Military History of the Wars of Frederick the Great as Contrasted with the Modern System*, 2 vols. New York: D. van Nostrand, 1865.
- Keegan, John. *The American Civil War*. New York: Knopf, 2009.
- Kipp, Joseph W. "Lenin and Clausewitz: the Militarization of Marxism, 1914-1921." *Military Affairs* 1985 49(4): ISSN: 0026-3931. In J store.
- Machiavelli Niccolò *Art of War*, pg. 234
- Mackinder, Halford John, Sir (1996). "Democratic Ideals and Reality". *The Geographical Pivot of History*. National Defense University Press.
- Mertsalov, A.N. "Jomini versus Clausewitz" pages 11-19 from *Russia War, Peace and Diplomacy* edited by Mark and Ljubica Erickson, London: Weidenfeld & Nicolson, 2004.
- Moran Daniel, *Strategic Theory and the History of War*, <http://www.clausewitz.com/readings/Moran-StrategicTheory.pdf>.

- Paret, Peter, *Makers of Modern Strategy from Machiavelli to the Nuclear Age*. Princeton, New Jersey: Princeton University Press, 1986.
- Plano, Jack C & Olton, Roy. *The International Relations Theory*, Western Michigan University, 1969.
- Shy, John. "Jomini." In Peter Paret, ed. *Makers of Modern Strategy: From Machiavelli to the Nuclear Age*. Princeton: Princeton University Press, 1986.
- Sills David L, (ed.), *International Encyclopedia of the Social Sciences*, 12 (New York: Free Press, 1968)
- Sun Tzu, *The Art of War*, translated by Samuel B. Griffith (Oxford, Oxford University Press, 1983).
- Wilson Scott, (7 March 2013), "Obama meets privately with Jewish leaders", *The Washington Post* (Washington, DC), retrieved 22 May 2013
- Young, Desmond, *Rommel the Desert Fox*. New York, Harper & Row, 1950.
- Zagare, Frank C. (2004), "Reconciling Rationality with Deterrence: A Re-examination of the Logical Foundations of Deterrence Theory", *Journal of Theoretical Politics* 16(2)